

δ نگاهی به حوادث تروریستی در جمهوری اینگوش خدایار براری*

مقدمه

با فروکش کردن تحرکات تروریستی در جمهوری چچن، مدتی است که جمهوری اینگوش مرکز این حملات شده و موجی از ناآرامی‌ها این جمهوری را فرا گرفته است. وقوع مکرر عملیات تروریستی در اینگوش، این جمهوری فدراسیون روسیه را در کانون توجهات قرار داده است. به طوری که فقط در چند ماه گذشته، شاهد موجی از حملات تروریستی در این جمهوری بودیم که حمله‌ی انتحاری صبح هفدهم آگوست به اداره امور داخلی شهر «نزران»، مرکز جمهوری اینگوش، از آن جمله بود که سر و صدای زیادی نیز به پا کرد. با در نظر گرفتن اهمیت ثبات این منطقه برای روسیه، در این مقاله به بررسی رویدادهای تروریستی اخیر در جمهوری اینگوش و ریشه‌های آن خواهیم پرداخت.

جمهوری اینگوش

جمهوری اینگوش در دامنه‌های شمالی رشته کوه‌های قفقاز بزرگ، در مرکز لبه کوهستان قفقاز شمالی واقع شده است. این جمهوری از شمال شرقی به جمهوری خودمختار چچن، از شرق به اوستیای شمالی محدود می‌شود و از جنوب با گرجستان همسایه است. مرکز اداری این جمهوری شهر نزران است. در سال ۱۹۹۷ جمعیت این جمهوری حدود ۳۵۲۰۰۰ نفر برآورد شده است. اینگوش‌ها پیرو دین اسلام هستند. (۱) این جمهوری قبلاً بخشی از ایالت «چچن- اینگوش» به شمار می‌آمد.

ایالت چچن- اینگوش ترکیبی از چچن‌ها و اینگوش‌ها بود که برای اولین بار در سال ۱۹۳۴ توسط شوروی سابق ایجاد شد. در دسامبر ۱۹۹۴ این دو جمهوری از یکدیگر جدا شدند. دلیل اصلی این جدایی عدم تمایل اینگوش‌ها به جدایی از روسیه و در مقابل تلاش چچنی‌ها برای کسب استقلال و جدایی از ترکیب روسیه بود. (۲) نه تنها اینگوش‌ها، بلکه هیچ قوم دیگری از فدراسیون روسیه در میزان استقلال‌طلبی به پای چچن‌ها نرسیده است. چچن‌ها پس از اعلام استقلال از اینگوش‌ها، استقلال خود از کل فدراسیون روسیه را نیز اعلام کردند. (۳) در سال ۲۰۰۶ رئیس مجلس چچن جدایی این دو جمهوری را اشتباه تاریخی خواند و خواستار اتحاد دوباره‌ی این دو جمهوری شد. (۴) پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی وقوع قتل‌های خونین در قفقاز شمالی میان استقلال‌طلبان و نیروهای روسی، تحرکات جدایی‌طلبانه‌ی جمهوری‌های چچن، داغستان و همچنین برخی از استان‌ها مانند «قره‌چای- چرکس»، «کاباردینو- بالکار» و «آدیگه»، فدراسیون روسیه را در بحران عمیقی فروبرده بود. (۵) به طور

کلی قفقاز شمالی که در بین سایر مناطق روسیه دارای بیشترین ساختار چند ملیتی است، (۶) با توجه به موقعیتی که دارد، از اهمیت خاصی برای روسیه برخوردار است و به تعبیری پاشنه‌ی آشیل این کشور نیز محسوب می‌شود. زیرا تمام جمهوری‌های قفقاز شمالی در داخل فدراسیون روسیه قرار داشته و هر گونه بی‌ثباتی در این منطقه می‌تواند ثبات کل فدراسیون را به مخاطره بیندازد. (۷) نباید از خاطر دور ساخت که منازعات و بحران‌های این منطقه ریشه‌های تاریخی دارد. در حال حاضر، در این منطقه وضع به گونه‌ای است که بحران‌های سابق، حل نشده باقی مانده و به آتش زیر خاکستری بدل شده اند که به محض فراهم شدن شرایط، این آتش شعله‌ور شده و زبانه‌های آن کل منطقه را فرا گرفته و توجهات بین‌المللی را به خود معطوف می‌دارد.

مشکلات بزرگ یک جمهوری کوچک

واقع شدن جمهوری اینگوش در قفقاز شمالی که با توجه به شرایط پیچیده‌ی آن، بستر مناسبی است برای وقوع منازعات گوناگون و همچنین مجاورت با جمهوری ناآرام چچن موجب شده تا این جمهوری کوچک پس از فروپاشی شوروی با مسائل و مشکلات فراوانی روبرو شود که بالطبع، مشکلات آن، مشکل روسیه نیز به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد مشکلات بزرگی فرا روی این جمهوری کوچک قرار دارد. مسائلی که ریشه در گذشته داشته و همچنان حل نشده باقی مانده است. مناقشه اینگوش با اوستیا، گرایشات ملی‌گرایانه‌ی افراطی و به طور کلی مناقشات قومی که تهدید بزرگی برای کل منطقه محسوب می‌شود، جنبش‌های مذهبی تندرو، تاثیر همسایه‌ی ناآرامی چون جمهوری چچن و «چچنیزه» شدن بحران در جمهوری اینگوش و در نهایت، اوضاع نابسامان اقتصادی، وضع را در این جمهوری بغرنج ساخته است. اینگوش پس از جدایی از چچن تا کنون سه رئیس جمهوری به خود دیده است. اولین رئیس جمهوری آن «روسلان آئوشف» که توانسته بود اینگوش را از جنگ چچن به دور نگه دارد. اما ویژگی‌های فردی او و روابطی که با رهبران چچن داشت، با سیاست‌های کرملین از همخوانی چندانی برخوردار نبود. در نتیجه، ژنرال «زیازیکوف» جایگزین او شد. اما او نتوانست اوضاع را در اینگوش آرام نگه دارد. با ترور «محمد یولایف»، یکی از رهبران اپوزیسیون در زمان ریاست جمهوری زیازیکوف، درگیری‌های داخلی در این جمهوری به اوج خود رسید. (۸) ناآرامی‌ها به حدی بود که روسلان آئوشف که تا سال ۲۰۰۲ رئیس جمهوری اینگوش بود، شرایط را به یک جنگ داخلی تمام عیار تشبیه کرد. (۹) آئوشف کرملین را متهم کرد که «در صدد است تا به نحوی اینگوش را تحت

کنترل «رمضان قدیروف»، رئیس جمهوری چچن در آورد که فرجام این کار چیزی جز تیره‌تر شدن روابط دو جمهوری اینگوش و چچن نخواهد بود.» (۱۰) به نظر می‌رسد هدف اکثر حملات تروریستی یا شخصیت‌ها و اماکن دولتی و نظامی است و یا تصفیه حساب‌های قومی - نژادی. به خصوص که زمینه‌های تاریخی و نیز تبعید و سرکوب اقوام بومی منطقه در زمان حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی، باعث تقویت گرایشات ملی‌گرایانه‌ی افراطی در بین آنها شده و به همین خاطر روس‌ها که در حال حاضر در این جمهوری‌ها اقلیت محسوب می‌شوند، بیشتر هدف این‌گونه حملات قرار می‌گیرند. با روی کار آمدن ژنرال «یفکورووف» به جای زیازیکوف، دولت با در پیش گرفتن سیاست‌های شفاف تا حدودی توانست حمایت داخلی را به دست آورد. فقر و بیکاری در منطقه، و نیز فساد دستگاه اداری از معضلات بزرگ این جمهوری است. از طرفی برخی از نیروهای امنیتی اینگوش نیز که از آزادی عمل زیادی برخوردارند، به بهانه‌ی مبارزه با تروریسم و با سوء استفاده از اختیارات خود مرتکب جنایاتی شده که هیچگاه از سوی مسکو مورد بازخواست قرار نمی‌گیرند و همین مساله به نارضایتی‌ها دامن می‌زند. (۱۱)

ریشه‌ها و عوامل تروریسم در اینگوش

در چند ماه اخیر شاهد هستیم که حملات تروریستی در جمهوری اینگوش به اوج خود رسیده است. از مهمترین آنها می‌توان به ترور سرهنگ «محمد گادابورشایف»، رئیس بخش جنایی وزارت کشور در هفتم جولای در نزران، ترور «اسرافیل اوزدویف»، رئیس پلیس ناحیه‌ی «قره بولاق» در دهم جولای، ترور «آزا قازگیریا»، معاون دادگاه عالی اینگوش در دهم ژوئن، ترور «بشیر آئوشف»، وزیر کشور جمهوری اینگوش در سیزدهم ژوئن، ترور نافرجام «یونس یفکورووف»، رئیس جمهوری اینگوش در بیست و دوم ماه ژوئن، ترور «محمد آمرخانوف» وزیر مسکن این جمهوری در دفتر خود در دوازدهم آگوست و حمله‌ی انتحاری به اداره‌ی امور داخلی شهر نزران جمهوری اینگوش در صبح دوشنبه هفدهم آگوست اشاره کرد. (۱۲) انفجار مذکور در شهر نزران، به نقل از خبرگزاری اینترفاکس، ۲۴ کشته و بیش از ۲۵۰ مجروح بر جای گذاشت. (۱۳) در پی این حادثه سه روز در این جمهوری عزای عمومی اعلام شد. در حقیقت، حوادث اخیر را باید ادامه بحران‌های سال‌های گذشته در این جمهوری دانست. همانطور که اشاره شد در زمان ریاست جمهوری مراد زیازیکوف، رئیس جمهوری پیشین اینگوش نیز مشکلات بسیاری گریبان‌گیر دولتمردان محلی و روسیه بود. البته در آن زمان در رسانه‌های محلی و روسی، گروه‌های تروریستی وابسته به القاعده و نیز مبارزان چچنی فعال در اینگوش عاملان این گونه

وقایع نامیده می‌شدند. به طور کلی در دهه‌ی اخیر اغلب در رسانه‌های محلی و روسی از افرادی چون «شامیل باسایف»، «اصلان مسخدوف»، «خطّاب»، «روسلان گلیف»، «ابو الولید»، «آربی بارایف» و «ابو عمر» به عنوان سازماندهندگان حملات تروریستی در قفقاز شمالی نام برده‌اند. در حملات تروریستی سال قبل در اینگوش نیز در رسانه‌ها و همچنین از سوی دادستانی این جمهوری، عمدتاً از «کوستایف» و «علی تازی‌یف» ملقب به «ماگاس»، به عنوان عاملان اصلی چنین حوادثی نام برده می‌شد. اما پس از وقوع انفجار تروریستی نزران، مقامات جمهوری‌های چچن و اینگوش، غرب را به دخالت داشتن در وقوع چنین حوادثی متهم کرده و اظهار داشتند که این حوادث از خارج از مرزهای روسیه سازماندهی می‌شود. به عنوان مثال، «عبدالرحمانوف» رئیس پارلمان جمهوری چچن عامل خارجی را در این حادثه دخیل دانست. «یونس یفکوروف»، رئیس جمهور اینگوش نیز کشورهای غربی را به نقش داشتن در این حوادث و تلاش برای ایجاد اختلال در ثبات روسیه متهم کرد. (۱۴) یفکوروف در اولین مصاحبه خود پس از بهبودی نسبی پس از سوء قصد، اسرائیل را به سازماندهی و حمایت از شبه نظامیان منطقه قفقاز شمالی متهم کرد. وی همچنین به نقش اعراب و دیگر خارجیان در این گونه حوادث اشاره کرد و اظهار داشت: «اگرچه عوامل این ترورها از جانب برخی کشورهای عربی حمایت مالی می‌شوند، اما در حقیقت این پول‌ها از منابع غربی تامین شده که پشت همه‌ی آنها آمریکا، انگلیس و اسرائیل قرار دارد.» (۱۵) اگرچه نمی‌توان نقش عامل خارجی را در این حوادث نادیده گرفت، اما ظاهراً باز هم رد پای مبارزان چچنی در این حوادث به چشم می‌خورد. خبرگزاری روسی اینترفاکس، به نقل از مسولان کمیته پیگیری حوادث تروریستی اخیر در اینگوش، از یکی از ایدئولوگ‌های چچنی به نام «الکساندر تیخامیروف» ملقب به «شیخ سعید بوریاتسکی» به عنوان مظنون اصلی سازماندهی سوء قصد به رئیس جمهور اینگوش و نیز انفجار تروریستی در شهر نزران نام می‌برد. (۱۶) آن چه شایان توجه است، موضع‌گیری دولتمردان روسیه نسبت به حوادث اخیر است. دیمیتری مدودیف رئیس جمهور روسیه با تاکید بر نقش عوامل خارجی، خاطر نشان ساخت که ریشه‌های اصلی وقوع چنین حوادثی را باید در داخل جستجو کرد و نه فقط در خارج از مرزها. مدودیف عدم رضایتمندی مردم این منطقه از شرایط موجود را علت اصلی وقوع چنین حوادثی دانست و فقر، بیکاری و در مجموع، مشکلات اقتصادی را از جمله عوامل زمینه ساز نارضایتی مردم برشمرد. مدودیف با تاکید بر قابل پیشگیری بودن این گونه وقایع، بی‌کفایتی برخی مسولان ذی‌ربط را در وقوع این حوادث دخیل دانسته و در اقدامی فوری، وزیر کشور اینگوش را پس از وقوع انفجار تروریستی در نزران برکنار کرد. (۱۷)

جمع بندی

پس از فروپاشی شوروی و آغاز بحران‌ها و منازعات مختلف در قفقاز شمالی، جمهوری اینگوش نیز دستخوش تحولات شده و از این بحران‌ها بی نصیب نمانده است. به خصوص از زمان شروع ریاست جمهوری مراد زیازیکوف، سلف یونس یفکوروف، و افزایش ناراضی‌ها، موج گسترده‌ای از ناآرامی‌ها جمهوری اینگوش را فرا گرفته که اوج آن را در چند ماه اخیر شاهد هستیم.

با در نظر گرفتن حساسیت منطقه و با توجه به حوادث تروریستی چند ماه اخیر به نظر می‌رسد چنانچه دولتمردان محلی و روسیه نتوانند بحران اینگوش را مدیریت نمایند، جمهوری کوچک اینگوش حتی از جمهوری چچن نیز برای روسیه خطرناکتر شود. مسلماً در صورت ادامه‌ی روند موجود در اینگوش و افزایش منازعات داخلی، گسست‌های قومی، پررنگ شدن عامل ملی‌گرایی و تقسیمات قومی و مذهبی، این جمهوری با مشکلات بزرگتری مواجه خواهد شد. امروز شاهد هستیم که رئیس جمهور اینگوش به ویژه پس از انفجار اخیر در مرکز این جمهوری، در مصاحبه با رسانه‌ها دائماً عوامل غربی را به سازماندهی عملیات تروریستی در جمهوری اینگوش متهم کرده و هدف آنها را از این اقدامات، برهم زدن ثبات منطقه و در نتیجه، از بین بردن ثبات کل فدراسیون روسیه عنوان می‌کند. اگرچه مسولان محلی دائماً عوامل خارجی و غرب را مسوول این ناآرامی‌ها در اینگوش می‌نامند، اما حقیقت آن است که ریشه‌های این ناآرامی‌ها را بیشتر باید در درون مرزهای فدراسیون جستجو کرد تا خارج از آن؛ چنان‌که سخنان رئیس جمهور روسیه پس از انفجار تروریستی شهر نزران نیز موید این مساله است. بنابراین، تا زمانی که سیاست‌های دولت اینگوش اصلاح نگردد، اختلافات قومی و مناقشات داخلی حل نشده و اوضاع اقتصادی مردم اینگوش بهبود نیابد، انتظار می‌رود که ناآرامی‌ها در اینگوش همچنان ادامه داشته باشد.

* خدایار براری، دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات روسیه در دانشگاه تهران

پی‌نوشت‌ها:

۱. بهرام امیراحمدیان، جغرافیای کامل قفقاز، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۱، صص ۳۱۹-۳۱۵
۲. آیدین مصطفی، "ریشه‌های داخلی بی‌ثباتی در آسیای مرکزی و قفقاز"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، وزارت امور خارجه، تهران، سال دهم، دوره سوم، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۸۰، ص ۱۶۵
۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک. به: احمد پاکتچی، خدایار براری، "عوامل موثر بر استقلال طلبی قوم چچن"، فصلنامه اوراسیا، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره سوم.

4. "КОММЕРСАНТЪ", № 73 (№ 3404) от 25.04.2006- **“Чечня предложила Ингушетии вернуться”**- (www.kommersant.ru/doc.aspx?DocsID=669399)

5. الهه كولایی و دیگران، بررسی زمینه‌های نظری و تاریخی همگرایی و واگرایی در فدراسیون روسیه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰، ص ۸۷

6. همان، ص ۱۰۸

7. برای مطالعه بیشتر ر.ک. به: افشین زرگر. "قفقاز منطقه‌ای همواره بی ثبات"، موسسه مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز (ایراس) (www.iras.ir/Default_view.asp?@=6288)، سه شنبه ۲۰ اسفند ۱۳۸۷

8. **“Ингушетия - самая взрывоопасная республика России”**
(www.inopressa.ru/article/23Jun2009/elpais/Yevkurov7.html)

9. (www.gazeta.ru/politics/2008/10/17_a_2858634.shtml)

10. (www.svobodanews.ru/Transcript/2008/10/20/20081020180505557.html)

11. Ibid, **“Ингушетия - самая взрывоопасная республика России”**

12. **“В Ингушетию прибыли террористы-смертники”**,
(www.aif.ru/society/news/38633)

۱۳. اینترفاکس. ۲۷ آگوست ۲۰۰۹

“Следствие проверяет информацию о причастности Саида Бурятского к теракту в Назрани”- (<http://www.interfax.ru/society/news.asp?id=97620>)

14. **“Теракт в Назрани: реальные причины и дешевая пропаганда”**- 18 Августа 2009 (www.mideast.ru/359/47286)

15. **“Террористы в Ингушетии- арабы, но виноваты все равно евреи”**- 02:18, 18 Августа 2009, (www.7kanal.com/news.php3?id=266568)

۱۶. پیشین، اینترفاکس

۱۷. صدای روسیه. ۲۴ آگوست ۲۰۰۹

“Борьба с терроризмом на Северном Кавказе претерпевает качественные изменения”, 24.08.2009,

(www.ruvr.ru/main.php?lng=rus&q=126693&cid=21&p=24.08.2009)